

### ۱. همایشی جهانی درباره داستان نویسی و داستان گویی

لیسبون، دهم تا شانزدهم می ۲۰۱۴

بیستم تا بیست و ششم اردیبهشت ۹۳ همایشی در لیسبون - پایتخت پرتغال - برگزار می شود که محور بحث آن «داستان نویسی و داستان گویی»<sup>(۱)</sup> است. در فراخوان این همایش درباره اهمیت داستان می خوانیم: زندگی بشر در قالب داستان جریان دارد. داستان گویی به طور طبیعی همواره همراه ماست. تقریباً هر زمان که درباره موضوعی صحبت می کنیم مشغول روایت داستانی هستیم. حتی می توان گفت داستان مهمترین روش ارتباط است. زمانی که خودمان را معرفی کنیم و تجربه های گذشته را به یاد می آوریم، و هرگاه بخواهیم از بیم ها و امیدهایمان سخن بگوییم به داستان نیاز داریم. گویی ما با روایت داستان به زندگی و رفتارمان معنا می بخشیم. آنگاه که کنجکاویم دیگران را بشناسیم و با زندگی آنان آشنا شویم، ناچاریم داستانشان را بشنویم. بر اساس بافت فرهنگی جامعه به گونه ای زندگی می کنیم که روایت آن داستانی باشد که بتوان آن را برای دیگران بازگو کرد. به این شکل، داستانها زندگی ما را می سازند و به آن هویت می بخشند.

اهمیت داستانی که روایت می کنیم در بافت اجتماعی تعیین می شود. فراتر از آن، امور جاری بسیاری از حرفه ها با داستان آمیخته است. از آن جمله می توان به پزشکان، پرستاران، معلمان، وکلا، و مشاوران اشاره کرد که همواره اساس کارشان تندیده در داستان است. بیمار باید داستان بیماریش را برای پزشک روایت کند، تا او امکان تشخیص و درمان آن را داشته باشد. داستان ابزار مطمئنی برای آموزش است. مطالعات علوم تربیتی نشان می دهد آموزش

1) Storytelling

## Call for Presentations

5th & 6th Global Conferences

# STORYTELLING

Wednesday 10th May – Friday 16th May 2014  
Lisbon, Portugal

### STORYTELLING: GLOBAL ON NARRATIVE

- Steering Group
- Project Archives
- Call for Presentations
- Details Story 5
- Details Story 6
- Venue and Accommodation
- Booking Form Story 5
- Booking Form Story 6

#### Call for Presentations

Human life is conducted through story, because the telling of stories comes naturally to us. Almost every time we speak we engage in storytelling, and sharing stories is arguably the most important way we have of communicating with others about who we are and what we believe; about what we are doing and have done; about our hopes and fears; about what we value and what we don't. We make sense of our lives by telling the stories that we live; and we learn about other lives by listening to the stories told by others. Sometimes, under the influence of the culture in which we are immersed, we live our lives in ways that try to create the stories we want to be able to tell about them.

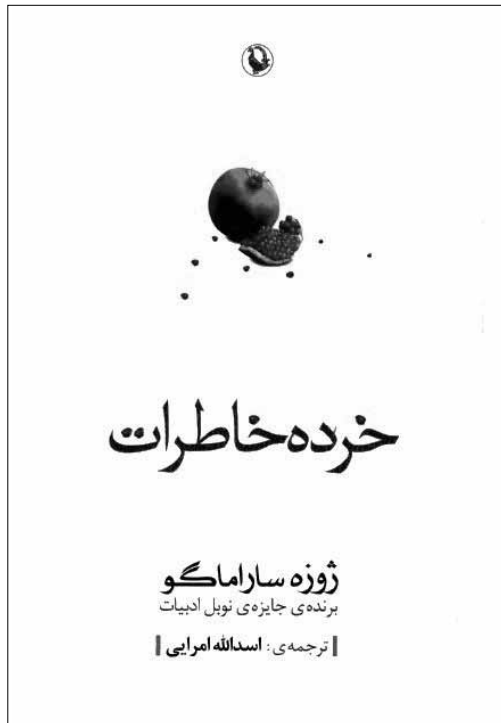
#### WHAT'S NEW?

- Writing Diaspora
- Voicing Trauma and Tr
- New Ethos Hub Lead
- Ethos Distribution
- Titles Directly Available
- New Project: Sexuality

• فراخوان همایش جهانی درباره داستان‌نویسی

مبتنی بر داستان موثرتر خواهد بود. زیرا دانش‌آموزان بهتر می‌توانند آنچه را می‌آموزند با دانسته‌های پیشین خود در آمیزند. آنان به کمک داستان می‌توانند آموخته‌های جدید را بهتر به خاطر بسپارند و بعدها بهتر به یاد آورند. داستان نقشی محور در بسیاری از رشته‌ها دارد. در روان‌شناسی، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، تاریخ و ادبیات فنون مختلف روایت ابزار اصلی در گردآوری و تحلیل داده‌های پژوهشی است. ضمن آنکه کاربرد داستان به این مجموعه محدود نمی‌شود و هر روز بر تنوع موضوعاتی که از داستان در تحقیقات خود بهره می‌برند، بیشتر می‌شود. مثلاً در علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی بخش عمده‌ای از مطالعات کیفی بر اساس «روش‌های روایی»<sup>(1)</sup> استوار است. از سویی دیگر، بسیاری از ما تجربه‌هایی از هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌های داستانی داریم. این تجربه از قصه‌های کودکی آغاز می‌شود و با فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی ادامه می‌یابد. زمانی که روایت یک رمان یا فیلم ما را متاثر می‌سازد، این تاثیر محصول تجسم خود در موقعیت شخصیت‌های داستان است. اگر خوش‌شانس باشیم در میان داستان‌ها با آثاری مواجه می‌شویم که همچون دوستی صمیمی سال‌ها با ما می‌مانند و گهگاه دوباره به دیدارشان می‌رویم و از بازخوانی آن‌ها لذت می‌بریم. همایش لیسبون فرصتی است تا علاقه‌مندان به داستان‌نویسی بازتابی از دانش خود را در این زمینه عرضه کنند. قلمرو موضوع‌های قابل طرح نیز به گستردگی طیفی از داستان‌های ممکن درباره زندگیست. با این حال، چهار محور اصلی برای مقاله‌ها در نظر گرفته شده است:

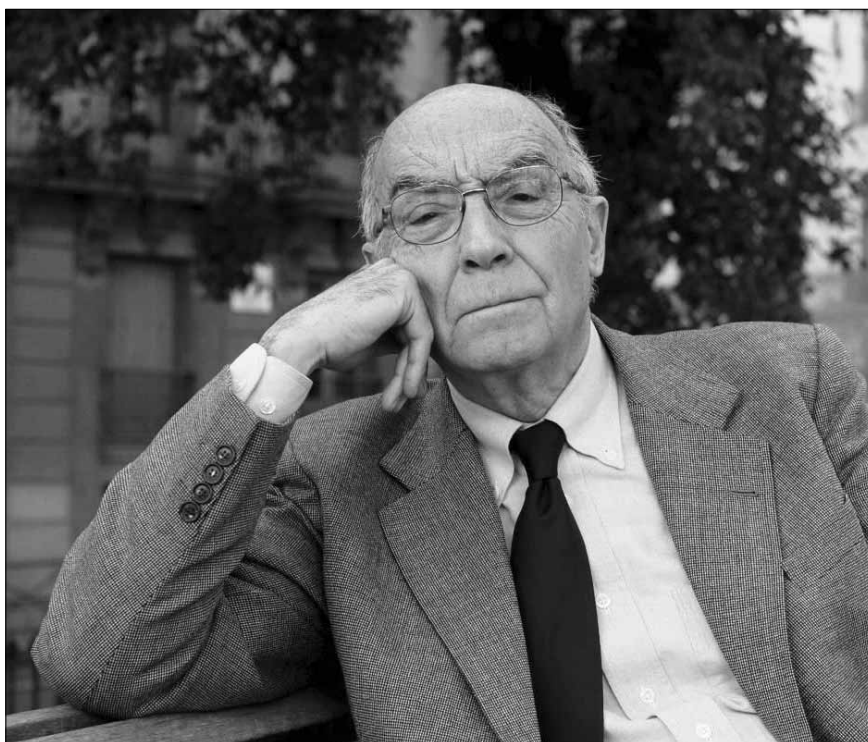
### 1) Narrative Methods



- داستان به عنوان ابزاری آموزشی در رشته‌های مختلف نظیر تاریخ، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، پزشکی و غیره.  
 - روایت و گردآوری داستان‌های واقعی از تجربه‌های زیسته افراد به عنوان روشی پژوهشی در حرفه‌ها و رشته‌های مختلف.  
 - جایگاه داستان در قلمرو روزنامه‌نگاری، تبلیغات، معماری، گردشگری، حقوق، مشاوره و غیره.  
 - سهم داستان در هر یک از وجوه فرهنگی، هنرهای سنتی و مدرن، نمایش، ادبیات، سینما و داستان‌گویی دیجیتال<sup>(۱)</sup>.

## ۲. خرده خاطرات خواندنی ژوزه ساراماگو (۱۹۲۲-۲۰۱۰)

صحبث از برگزاری همایش داستان‌نویسی در پرتغال شد. اخیراً کتاب کوچکی از ژوزه ساراماگو - نویسنده بزرگ پرتغالی - خوانده‌ام که بی‌ارتباط با این موضوع نیست. اثری با عنوان «خرده خاطرات» با ترجمه اسدالله امرایی که انتشارات مروارید در سال ۹۱ منتشر کرده است. خرده خاطرات از جمله کتاب‌هایی است که برای مطالعه در فرصت‌های کوتاه انتخاب



می‌کنم. کتاب‌هایی که سه ویژگی دارند: در یکی از حوزه‌های مورد علاقه‌ام در ادبیات یا فلسفه‌اند؛ نویسنده، مترجم و ناشر قابل اعتمادی دارند؛ و در نهایت سبک و کم‌حجمند. زیرا باید مدتی همراه باشند. زمانی که این سه ویژگی در اثری جمع باشد در خریدش تردید نمی‌کنم؛ و مطالعه آن را به فرصت‌های کوتاه در خلال کار روزانه می‌سپرم. در طول روز هر یک از ما دقایقی وقت آزاد داریم که فرصتی برای خواندن است. مثلاً، در انتظار مترو و زمان سفر با آن، تاخیر در جلسه‌های کاری، انتظار در بانک و غیره. اگر مطلب خواندنی همراه داشته باشید از مجموع همین دقایق می‌توانید هفته‌ای یک کتاب خوب جمع و جور بخوانید. خرده‌خاطرات یکی از این کتاب‌های خوب بود.

در این اثر ساراماگو مثل پیرمرد باتجربه‌ای است که از قضا در کوپه قطار با شما همسفر شده و با لحنی ساده و صمیمی داستان خاطره‌های کودکی‌اش را برایتان تعریف می‌کند. پیرمردی فهیم و فروتن که با حوصله از شادی‌ها، غم‌ها، بیم‌ها و امیدهای روزهای دور می‌گوید. بی‌آنکه خود را دانای کل بداند یا قصد پند و اندرز داشته باشد.

این کتاب - سرشار از سادگی و صمیمیت - یادآور این واقعیت است که زندگی آدم‌ها به همان اندازه که با هم تفاوت دارند، به هم شبیه‌اند. نویسنده نیز نمی‌خواهد خود را متفاوت از دیگران نشان دهد. مرتب تلاش می‌کند که بگوید او هم یکی مثل ماست. قصد خودنمایی



• دکتر یزدان منصوریان

ندارد. فضل فروش نیست. حتی از اینکه اعتراف کند در رقابت‌های کودکانه اغلب ناموفق بوده، دروغ می‌بافته، و استعدادی هم در ماهی‌گیری و شکار نداشته هراسی ندارد. گاهی فروتنانه اعتراف می‌کند که برخی از تصویرهای کودکی ممکن است از یادش رفته باشد و آنچه می‌گوید چه بسا واقعاً رخ نداده است. بی‌آنکه نگران باشد خواننده او را به بی‌وفایی به واقعیت متهم کند: «گاه می‌مانم برخی خاطره‌ها واقعاً مال من است یا اینکه خاطره‌های کس دیگری است که ناآگاهانه، بازیگرش من بوده‌ام و بعدها حاضران در واقعه آن را برایم تعریف کرده‌اند یا کسانی که خودشان هم در صحنه حاضر نبودند، از دیگری شنیده‌اند و سپس به من گفته‌اند» (ص. ۶۱). البته در جایی دیگری از کتاب درباره این تردید می‌نویسد: «به نظرم خاطرات غلط نداریم، زیرا تفاوت میان آن‌ها و خاطراتی که درباره آن‌ها یقین داریم، صرفاً اعتماد است، اعتماد به ابهامی بهبودناپذیر که یقین می‌نامیم» (ص. ۱۱۵).

ساراماگو در بخش‌های مختلف به مقایسه دوران کودکی خود با امروز می‌پردازد، بی‌آنکه شتابزده قضاوت کند: «نمی‌دانم بچه‌های امروز چطور فکر می‌کنند اما وقتی ما بچه بودیم، زمان را ملال‌آور و پایان‌ناپذیر می‌دانستیم. سال‌ها گذشت تا فهمیدیم هر ساعت فقط شصت دقیقه است و بعدها یادگرفتیم همه دقیقه‌ها بدون استثنا سرثانیه شصتم تمام می‌شود». (ص.

در «خرده خاطرات» بجز چند شیطننت و دردسر کودکانه حادثه شگرفی رخ نمی‌دهد. اما خواننده را تا پایان با خود همراه می‌سازد. زیرا ترغیبی که نویسنده در این متن ایجاد کرده، بیش از آنکه مبتنی بر پیچیدگی داستان باشد، بر سادگی آن استوار است. در نتیجه خواننده شنونده‌ای کنجکاو است که می‌خواهد بداند نویسنده‌ای معروف که جایزه نوبل ادبیات را در کارنامه دارد، کودکی‌اش را چگونه گذرانده است. ضمن آنکه در پایان خواننده احساس می‌کند اگر کمی ذوق نوشتن داشته باشد، خاطره‌های معمولی او نیز می‌تواند برای خودش «خرده خاطراتی» خواندنی باشد. این هم یکی از دستاوردهای این اثر است که خواننده را به نوشتن تشویق می‌کند. ساراماگو از جایگاه یک نویسنده بزرگ به جمع خوانندگان عادی می‌پیوندد و برایشان قصه می‌گوید. او در عمل نشان می‌دهد آنچه یک روایت را شنیدنی می‌سازد، نه رخداد‌های آن، بلکه چگونگی روایت رخدادهاست. در نتیجه زندگی روزمره و گاه ملال‌آور هم می‌تواند در قالب اثری ممتاز متبلور شود. به شرط آنکه نویسنده توان تبدیل واقعیت را به روایتی جذاب داشته باشد.

## یادآوری

از نمایندگان فروش بخارا در شهرستانها خواهش می‌کنیم  
وجوه عقب افتاده خود را بپردازند.